

## شستا؛ سرمایه بازنشستگان یا حیات خلوت دولت‌ها!

در چالش پنج ماهه افزایش حقوق بازنشستگان سایر سطوح تامین اجتماعی یکی از واژه‌های پرکاربرد مسئولان به ویژه سرپرست وزارت رفاه و امور اجتماعی؛ «پایداری منابع و اعتبارات سازمان تامین اجتماعی» بود. منابع سازمان تامین اجتماعی برای ارائه خدمات و پرداخت مستمری بازنشستگان را باید عمدتاً در دو بخش حق بیمه کارگران شاغل و درآمد شستا دانست.

به گزارش سایت خبری پرسون، سید جلال فیاضی در یادداشتی نوشت: کارگران شرکت‌های دولتی، عمومی و خصوصی در طی ۳۰ سال خدمت ۳۰ درصد حقوق خود را به صندوق انحصاری تامین اجتماعی می‌پردازند تا ضمن بهره‌گیری از خدمات درمانی، در دوران بازنشستگی مستمری دریافت کنند. روشن است که فاصله زیاد میان میزان افزایش سالیانه حقوق حداقل بگیران و سایر سطوح - آنگونه که در مصوبه دولت قبل از لغو اتفاق افتاد - می‌توانست در دراز مدت به درآمد جاری سازمان تامین اجتماعی لطمه وارد کند.

و اما شستا؛ یکی از بزرگترین هلدینگ‌های اقتصادی کشور است که با سرمایه‌گذاری ناشی از حق بیمه ۳۰ سال خدمت کارگران دیروز و بازنشستگان امروز تشکیل شده و سه شصتا یعنی ۱۸۰ شرکت بزرگ اقتصادی را به صورت مدیریتی و وابسته در اختیار دارد.

آنچه تاکنون بر شستا گذشته؛ عدم نقش بازنشستگان به عنوان صاحبان سرمایه شستا در مدیریت و نظارت بر آن و تبدیل شدن شرکت‌های تحت پوشش به شرکت‌های دولتی و حیات خلوت دولت‌های مختلف است.

بهترین تعریف شرکت دولتی که در ادبیات اقتصادی کشور ثبت شد و درخشان قرائت دکتر طیب نیا وزیر اقتصاد و دارایی دولت اول روحانی است: "شرکت دولتی یعنی تولید رانت، سفرخارجی، عضویت در هیئت مدیره، حقوق نجومی، مفسده و استخدام هر کسی که این افراد لازم دارند، به همین دلیل است که به جای هزار نفر در یک شرکت دولتی ۵ هزار نفر استخدام می‌شوند که این استخدام‌ها هم به اعتبار ارتباطات دولتی و فامیلی صورت می‌گیرد." اگرچه عمر وزارت طیب‌نیا پس از این سخن چندان دوام نیاورد و مافیای شرکت‌های دولتی او را از کرسی وزارت به زیر کشید و اکنون حتی در عرصه تئوری پردازی هم از او خبری نیست، اما تعریف طیب‌نیا از شرکت دولتی در اقتصاد ایران ماندگار شد. جالب اینکه در بودجه کل کشور سهم بودجه شرکت‌های دولتی حدود دو سوم کل بودجه است که خارج از نظارت نهادهای نظارتی نظیر دیوان محاسبات است و تنها یک سوم آن به بودجه عمومی اختصاص دارد!

شرکت‌های شستا که عمدتاً می‌توانند مصداق این تعریف از شرکت دولتی باشند از آنجا که در طی سالیان متمادی به عنوان حیات خلوت دولت‌ها نیز به شمار می‌آمدند و دولت‌ها حامیان سیاسی خود را برای عضویت در هیئت مدیره‌ها و رده‌های مدیریتی این شرکت‌ها جانمایی می‌کردند به شرکت‌های دولتی سیاسی تبدیل شده‌اند که نهایت ناکارآمدی را دارند.

۱۸۰ شرکت شستا در گروه‌های: صنایع پتروشیمی، نفت و گاز، تایر و لاستیک، صنایع سلولوزی، فنی و مهندسی، دارویی، سیمان، فولاد، مس، زغال سنگ، سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک، بازار سرمایه، کشتیرانی، لوازم خانگی، دامپروری، غذایی و تبدیلی، توسعه انرژی و ..... متمرکز است که بی‌تردید از درآمد‌زا ترین شرکت‌های اقتصادی کشور به شمار می‌آیند. همین روزها که خبرهای رکورد شکنی فساد ۹۲۰۰۰ میلیارد تومانی فولاد مبارکه در صدر اخبار اقتصادی است جالب است بدانیم شستا ۱۴ درصد سهام فولاد مبارکه و یک کرسی هیات مدیره آن را در اختیار دارد.

اما با همه این احوال هنوز هم مقامات وزارت رفاه و سازمان تامین اجتماعی در پرداخت حقوق بازنشستگان از "پایداری منابع و اعتبارات" به بیان دیگر "کمبود اعتبار" سخن می‌گویند. روشن است که علت را باید در ناکارآمدی مدیریتی شستا جستجو کرد.

به اعتقاد نگارنده سازمان تامین اجتماعی برای دسترسی به "پایداری منابع و اعتبارات" دو راه پیش رو دارد:

اول: پرهیز از تصمیمات غیرکارشناسی و غیرعادلانه اما به نام عدالت در خصوص فاصله زیاد میزان افزایش سالیانه حقوق سطوح مختلف بازنشستگان است که می‌تواند جریان مستمر حق بیمه کارگران شاغل را با اختلال مواجه کرده و آنها را به پرداخت حق بیمه کمتر و سرمایه‌گذاری حق بیمه خود در سایر مراکز اقتصادی سوق دهد.

دوم: کارآمدسازی مدیریت شرکت‌های شستا از طریق خارج کردن آنها از سیستم مدیریتی شرکت‌های دولتی و پایان نگرش دولت‌ها به حیات خلوت دانستن شستا برای تامین کسری‌های بودجه‌ای و منافع مدافعان و حامیان سیاسی و بهره‌گیری از دانش، تجربه و نظارت بازنشستگان متخصص از طریق یک سازو کار شفاف و در نهایت اصلاح ساختار مدیریتی شستا.